



## یادداشت

حساب مردم فلسطین با رژیم ایران را یکی نگیرید

صادق کار



جنگ سنگین و جنایتکارانه دولت دست راستی اسرائیل علیه مردم غزه و فلسطین وارد سومین هفته خود شده است و اثری از پایان یافتن آن در چشم انداز نزدیک به چشم نمی خورد. سه هفته است که ارتش اسرائیل شب روز بر سر غزه و مردم غیر نظامی آن از هوا و زمین به بهانه سرکوب حماس بمب می ریزد و موشک می زند اما این مردم غیر نظامی هستند که بیشترین تعداد کشته شدگان را شامل می شوند.

طبق آخرین گزارشهای منتشر شده از طرف منابع مختلف خبری تا کنون در اثر حملات شبانه روزی اسرائیل قریب ۸ هزار نفر از مردم بی دفاع غزه که اکثرشان زن و کودک هستند به طرز دردناکی کشته، هزار نفر مجروح و معلول و تا قبل از حمله تانک های اسرائیلی به شمال غزه ۱۴۰ هزار خانه مسکونی اکثرا پر جمعیت درهم کوبیده و مخروبه شده اند. آنهایی هم که از این پاک سازی بیرحمانه قومی جان سالم به در برده و هنوز نفس می کشند بی غذا و آب و دارو و سوخت در وضعیت جهنمی به سر می برند.

مدارس، مساجد، بیمارستان و زیر ساختها و حتی کارکنان موسسات تحت اداره سازمان ملل و پزشکان بدون مرز و امداد رسانان هم از حملات در امان نبوده و برابر گزارشات سازمان ملل تعدادی از آنها کشته و زخمی شده اند. کشته شدن کارکنان سازمان ملل و پزشکان بدون مرز نشان می دهد که حملات اسرائیل بر خلاف آنچه ادعا می شود و بی حساب و کتاب است و صرفا متوجه اعضای حماس نیست



اصول و قواعد جنگی به تمام معنی توسط ارتش اسرائیل زیر پا گذاشته شده و تلاش تعدادی از کشورها در شورای امنیت برای برقراری آتش بس توسط نماینده امریکا وتو و بی نتیجه مانده است. در حالیکه اعتراضات به کشتار مردم غزه در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی جنوب ادامه دارد، کشورهای قدرتمند که روی اسرائیل نفوذ دارند، به بهانه "حق اسرائیل در دفاع از خود" عملاً از جنایات اسرائیل علیه کشتار و ویرانسازی غزه حمایت می کنند. به پشت گرمی همین حمایتهاست که دولت اسرائیل حتی انتقاد دبیر کل سازمان ملل را که به حکم وظیفه خود عملیات حماس را محکوم و اسرائیل را بخاطر سابقه ۵۶ ساله اش در قبال فلسطینی ها مورد انتقاد قرار می دهد، از تعرض کلامی در امان نمی گذارد.

در این میان اکثر رسانه های غربی و تعدادی از رسانه های فارسی زبان پر بیننده و شنونده به طور یک طرفه به نفع اسرائیل وارد معرکه شده و سعی می کنند افکار عمومی را با ارائه گزارشات مشابه گزارشات کابینه جنگی اسرائیل علیه فلسطینی ها تحریک و حساب فلسطینی ها و رژیم ایران را مشابه سازی کنند و افکار عمومی را علیه فلسطینی ها و دفاع از کشتار غزه سوق دهند.

این در حالی است که حساب رژیم ایران و حمایت آن از حماس را با حساب مردم ایران و فلسطین از هم در تبلیغات جدا کرد. بر کسی پوشیده نبوده و نیست که اکثریت بزرگی از مردم ایران اساساً با هر نوع دخالتی از طرف رژیم در کشورهای دیگر و بیشتر از آن با تشکیل و تسلیح گروه های شبه نظامی در کشورهای همسایه و خاورمیانه و تشکیل سپاه قدس همچنین با عملیات جنایتکارانه اخیر حماس و گروه های هم سنخ آن که باعث کشته شدن و به گروگان گرفتن تعدادی از غیر نظامیان اسرائیلی شد مخالفت نموده و آن را محکوم کرده اند. اما همانطور که دبیر کل سازمان ملل هم گفته است حوادث اخیر، ریشه در ظلم و ستم ده ها ساله اسرائیل و لگد مال کردن قطعنامه های سازمان ملل و گسترش شهرک سازیهای غیر قانونی در مناطق اشغالی و امتناع اسرائیل از قرارداد صلح منعقد در اوسلو که از طرف ۱۲۳ کشور به رسمیت شناخته شد دارد. نمی توان از حقوق بشر حرف زد و در عین حال بر جنایات جنگی اسرائیل تحت عنوان "حق دفاع از خود" صحنه گذاشت و از فاجعه ای که در غزه رخ می دهد و خلاف حقوق بشر هم هست حمایت کرد.

نتیجه عملیات حماس تا کنون بیشترین ضربه را بر پیکر مردم غزه وارد نموده و بیشترین سود را به رژیم جنایتکار ایران و دولت دست راستی ناتانیاهو رسانده است. عملیات ابلهانه و ماجرا جویانه حماس و کشتار بی رحمانه مردم غزه احتمال کشیده شدن دامنه جنگ به کشورهای دیگر و فراتر از آن را تشدید نموده و روشن است اگر دامنه این جنگ به درون ایران امتداد پیدا کند، بر خلاف تصور بعضی از ساده اندیشان و فرصت طلبان حاصلی جز ویرانی و کشتار و درد و رنج افزون برای مردم در ایران و منطقه دربر نخواهد داشت. طبعاً انکار ملت فلسطین و امتناع از پذیرش تشکیل دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل و اصرار رژیم ایران بر نابودی اسرائیل، رسیدن به صلح و آرامش پایدار و دمکراتیک در منطقه را دشوار می کند. امتناع از آتش بس و ادامه عملیات جنگی و محاصره غزه هر چقدر بیشتر به تاخیر بیفتد به همان نسبت امکان رسیدن به صلح عادلانه را زمانبر می کند.

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و متریقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!**



نقش حمایت اجتماعی در امحای کار کودک بخش هشتم  
گزارش مشترک سازمان بین المللی کار و سازمان یونسف



کار کودکان در یک معدن کبالت در کنگو

حمایت اجتماعی به عنوان پاسخ سیاستگذارانه به کار کودک: شواهد چه می گویند؟ 2.

کمک نقدی مستقیم به خانواده های دارای فرزند - ادامه 3.

از لحاظ نظری، حمایت دوران بارداری می تواند رفاه خانواده را از طرق زیر بهبود بخشد: 1- فشار و استرس کمتر در دوران بارداری، 2- صرف وقت بیشتر توسط مادران و والدین برای مراقبت از فرزندان در بدو زندگی آنان، 3- تضمین درآمد و منابع مالی خانواده برای پرورش نوزاد(ان)، و 4- دسترسی بدون مشکل مادران به مراقبت های بهداشتی مناسب. به علاوه موارد دوم و سوم گفته شده اثرات [مثبتی] بر رفاه همه اعضای خانواده و مشارکت آنان در بازار کار، و نیز در امر مراقبت از نوزادان و کارهای خانه دارد. بدون حمایت کافی در دوران از بارداری و زایمان، و در صورتی که این حمایتها رایگان ارائه نشوند، احتمال این که خانواده های فقیر برای مقابله با محرومیت بیشتر، از جمله در اثر هزینه های بالای زایمان، ناگزیر به فرستادن کودکان شان به بازار کار کودک شوند، بسیار است.

با این حال، تا کنون داده های کمی محرز شده ای در مورد تأثیرات حمایت از بارداری بر میزان کار کودکان وجود ندارند. البته مطالعاتی انجام شده اند که نتایج تحصیلی درازمدت کودکان تحت پوشش مرخصی والدین و زایمان با حقوق را بررسی کرده ند. این مطالعات می توانند برای اخذ نتایج لازم در راستای سرمایه گذاری بیشتر در نظام آموزشی و توجه بیشتر به آن، مورد استفاده قرار گیرند.

قابل توجه این که تحقیقات در کشورهای پردرآمد - با تمرکز بر دسترسی به مدرسه و حضور مداوم در آن - نتایج مختلفی را گزارش می کنند، مثلاً

- افزایش مدت مرخصی زایمان با نرخ ترک تحصیل کمتر در نروژ همراه بوده است؛



- در حالی که مطالعات اخیر در بارهٔ تمدید مدت مرخصی والدین/ زایمان، تأثیر کمی بر نرخ فارغ التحصیلی و میزان تحصیلات کودکان در دانمارک، آلمان و ایضا در نروژ نشان داده اند.

باید تأکید کرد که این عرصه (تأثیر حمایت دوران بارداری و زایمان بر نرخ تحصیل و فارغ التحصیلی کودکان)، هنوز مورد تحقیق کافی قرار نگرفته است و با توجه به آثار ممکنهٔ پیشگفته باید توجه بیشتری به آن شود. تحقیقات آتی همچنین باید تأثیرات حمایت دوران بارداری و زایمان را بر آموزش و کار کودکان بزرگتر در خانواده، و به ویژه در مورد حاملگی نوجوانان شامل گردند. در واقع بارداری نوجوانان در شرایطی که حمایت اجتماعی و حمایت دوران بارداری و زایمان یا کمکهای نقدی وجود ندارند، هم خطری برای درگلتیدن به فقر و هم برای ایجاد چرخهٔ ترک تحصیل زود هنگام و کشیده شدن زود هنگام به بازار کار، به ویژه برای دختران است.

کمک نقدی مشروط و نامشروط

## یافته های کلیدی

- **کمک نقدی به خانواده و کودک منبع مهمی برای امنیت درآمد خانوارهای دارای فرزند است و به کاهش کار کودکان می انجامد**
- **کمکهای مستمر نقدی مشارکت کودکان را در کار با دستمزد در خارج از خانواده کاهش می دهد**
- **از آنجایی که خانوارها تا حدی کمکهای نقدی را در فعالیتهای تولیدی سرمایه گذاری می کنند، در عین حال این امر ممکن است باعث افزایش کار کودکان در خانواده، از جمله در کارهای خطرناک شود**
- **مشروط کردن کمکهای نقدی پیش نیازی برای اثربخشی حمایت اجتماعی در کاهش کار کودکان نیست**
- **بلکه اثربخشی کمکهای نقدی در کاهش کار کودکان، وابسته به میزان کمک، مدت زمان آن و انتظام پرداختها است**
- **شواهد محدود در زمینه بدترین اشکال کار کودک نشان می دهند که اگر میزان کمک کافی و دوام دار باشد، و به طور منظم صورت گیرد، می تواند بدترین اشکال کار کودک را کاهش دهد**

## کار کودکان در یک معدن کبالت در کنگو

کمکهای نقدی عموماً با هدف تضمین و تأمین درآمد و بهبود استانداردهای زندگی، تأمین غذایی و همچنین محدود کردن خطرات بلندمدت ناشی از "مقابلهٔ مضر"\*، که ممکن است خانوارها را در چرخه های فقر بین نسلی حبس کنند، پرداخت می شوند. علاوه بر این، این کمکها برای رفع یا تقلیل موانع دسترسی به خدمات حیاتی - از جمله دسترسی به آموزش، بهداشت و تغذیه - نیز به کار گرفته می شوند. طبعاً انتظار می رود که کمک نقدی در اثر منبع درآمد اضافی ای که در اختیار خانوارها قرار می دهد، [عرضه و] تقاضا برای کار کودکان را کاهش دهد. با این حال، از آنجایی که این برنامه ها همچنین به خانوارهای فقیر اجازه می دهند که سرمایه گذاری خود را در فعالیتهای تولیدی گسترش دهند، اگر این سرمایه گذاری با عرضه نیروی کار بزرگسالان، افزایش بهره وری یا راه حل های مناسب تکنولوژیکی مطابقت نداشته باشد، ممکن است تقاضا برای کار کودکان را افزایش دهد.

- \* منظور از "مقابلهٔ مضر" مشخصاً فرستادن کودکان به بازار کار برای کسب درآمد و از این طریق کمک به خانواده است؛ اقدامی که به چرخهٔ فقر تداوم می بخشد



وقت تنگ است و تهدید جدی است!

صادق



در حالی که خبرها از تصویب همه ی پیشنهادات دولت برای تغییر قوانین مربوط به تامین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی، کاهش حقوق بازنشستگی، افزایش سن بازنشستگی و به دست گرفتن بلاواسطه کنترل سرمایه های نقدی و غیر نقدی سازمان تامین اجتماعی حکایت دارند، به گزارش خبرگزاری ایلنا "علی دهقانی کیا" رئیس کانون حکومتی بازنشستگان تامین اجتماعی در سوم آبان برای شفاعت و جلوگیری از تصویب برنامه دولت نزد "صادق لاریجانی" رئیس مجلس تشخیص مصلحت رفته و پس از کلی عجز و ناله و گلابه و آه و ناله از او خواسته است هنگام بررسی موضوع صندوق های بازنشستگی ر کمیسیون مربوطه نمایندگان این تشکل هم حضور داشته باشد تا بتواند نظرات شان را نسبت به آن بیان کند.

مجلس تشخیص مصلحت نظام نهادی است که در پی بالا گرفتن اختلافات بین جریانات حکومتی بر سر مسایل مختلف از آن جمله بر سر قانون کار به فرمان خمینی تشکیل شد و وظیفه آن تصمیم گیری در مواردی است که نهادهای حکومتی نمی توانند در موضوعی به توافق برسند.

مصوبات این نهاد لازم الاجراست و بهمین دلیل در سلسله مراتب حکومتی قدرتی فراتر از مجلس و دولت دارد. همین موقعیتی که به این نهاد داده شده و تسلط جریانات محافظه کار بر آن باعث تصویب قوانینی شده که همگی در جهت منافع سرمایه داران رانتخوار و بسط تفکرات و سلطه سیاسی و اقتصادی بنیادگرایان مرتجع و فاسد شده است.

شیخ صادق آملی لاریجانی رئیس کنونی این مجلس سراپا ارتجاعی که بعد از افشای رسوایی های مالی و نهادینه شدن فساد همه گیر در قوه قضاییه و رو شدن فساد اکبر طبری معاون وقت این قوه از کار برکنار و بلافاصله پس از تهدید به افشاگری برای بستن دهان اش به ریاست این مجلس رسید، خود یکی از



مظاهر فساد و از عوامل تاثیر گذار در تغییرات ارتجاعی در قوانین از جمله در قانون کار و تامین اجتماعی است و اساسا بهمین خاطر در راس مجلس ارتجاعی تشخیص مصلحت برگمارده شده. با این سابقه سیاه درخواست شفاعت از او برای تصویب نکردن قوانین مربوط به صندوق های بازنشستگی به مانند بردن شکایت بره به نزد گرگ و منحرف کردن کارگران شاغل و بازنشسته از مبارزه درست و موثر است.

انطور که از گزارش علی دهقان کیا بر می آید، لاریجانی شرکت نمایندگان این جماعت سرسپرده به رژیم در کمیسیون اجتماعی مجلس در هنگام بررسی تغییرات مد نظر دولت را بدون مانع دانسته و گفته است از حضور آنها استقبال می کند و خواسته است نظرات خودشان را به صورت کتبی برای او بفرستند تا آن را در اختیار محسن رضایی و ذوالقدر برای رسیدگی بفرستد.

به گفته دهقانی کیا، لاریجانی به آنها توصیه کرده است که برای بیان اعتراض خود به مقامات دولتی مراجعه کنند و قول داده است که شکایت شان را به اطلاع مسئولین دولتی و مجلس خواهد رساند.

به عبارتی رئیس مجلس تشخیص مصلحت سعی کرده آنها را با حواله دادنشان به روسای کمیسیون اجتماعی و مسئولین دولتی و مجلس که در حمایت هیچکدام شان از تغییرات مد نظر دولت تردید و شبهه ای نیست، آنها را از سرخود بازدارد و تنها به آنها اذن شرکت در جلسات کمیسیونهای مربوطه را داده است. شرکت این جماعت در کمیسیونهای مربوطه مفروض به عملی شدن نظر به سوابق گفته شده بسیار بعید است که نتیجه ای در برداشته باشد.

سرکردگان تشکلهای حکومتی بارها در این جور موارد این راه را آزموده اند ولی با در بسته روبرو شده اند. معهذ با اینکه می دانند این راه بی نتیجه است، باز هم حاضر نیستند از آن دست بردارند و برای یکبار هم که شده، بجای مراجع به بانیان و سرکردگان قوانین ارتجاعی و ضد مردمی به کارگران مراجعه و آنها را به اعتصاب و اعتراض فرا بخوانند. دلیل اش البته چیزی غیر از وابستگی آنان به حکومت و مزدوری نیست.

بعضا و به خطا تصور می کنند با تغییر اساسنامه کانون بازنشستگان تامین اجتماعی گویا می شود به سلطه باندهای حکومتی مسلط بر این نوع تشکلهای که به صورت مادام العمر درآمده این تشکل را در مسیر دفاع از حقوق اعضای شان قرار داد. آنان توجه ندارند که مشکل تنها در اساسنامه نیست، بلکه ماهیتی است و در حکومتی بودن آنهاست و دستگاه های امنیتی و معمارانی که آنها را بوجود آورده اند، جلوی هر تغییری را که خللی در کارکرد کانون های این چنینی وارد کند را خواهند گرفت.

تنها راه کار موثر قطع ارتباط کامل و بلادرنگ با تشکلهای حکومتی و ایجاد و متشکل شدن در اتحادیه ها و تشکلهای مستقل و موثر کارگری برای احقاق حق و متوقف کردن تعرضات مداومی است که حقوقی برای کارگر شاغل و بازنشسته باقی نگذاشته و نخواهد گذاشت. وقت تنگ است و اگر اعتراضات وسیع انجام نشود تغییرات در قانون بازنشستگی و تامین اجتماعی بزودی عملی خواهد شد و وضعیت زحمتکشان بازنشسته و شاغل بسیار وخیمتر از آنچه هست خواهد شد و کسی غیر از خود کارگران کاری برایشان نخواهد کرد. فرستادن طرح های دولت به مجلس تشخیص مصلحت که محافظه کارتر از مجلس شورا است، به معنی قطعی شدن تصویب آنها است.

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**



تعرض تازه به قانون کار، به بهانه ایجاد امنیت شغلی!

صادق



خبر گزارى ایلنا در این هفته به نقل از رعیتی فرد معاون روابط کار، وزارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر از تشکیل کمیته امنیت شغلی داده است. ظاهراً هدف از تشکیل کمیته نامبرده ایجاد امنیت شغلی برای کارگران است اما از آدرس غلطی که در توضیح چگونگی تامین امنیت شغلی داده می شود، معلوم می شود که نیت از طرح قضیه بی خاصیت کردن ماده ۱۰ قانون کار به بهانه ایجاد امنیت شغلی است که شرایط قراردادهای کار را مشخص کرده است. این ماده اگر چه سالهاست اجرا نمی شود، ولی از سوی کارفرمایان و مدیران ارشد وزارت کار به دلیل اینکه محدودیتهایی بر سر راه موقتی سازی نیروی کار و قراردادهای موقت ایجاد می کند، مزاحم تلقی شده و تصمیم دارند، کلک آن را هم بکنند.

اما تصمیم به تشکیل کمیته امنیت شغلی، سوای نیت هایی که پشت آن قرار دارد، اذعان معاون وزیر کار به نبود امنیت شغلی است.

طبق آمارهای رسمی در حال حاضر ۹۴ درصد کارگران غیر رسمی بوده و به رغم داشتن سابقه کار طولانی کارگر موقت تلقی می شوند و بهمین خاطر فاقد امنیت شغلی می باشند.

اگر مقصود آنطور که معاون وزارت کار ادعا می کند، تامین امنیت شغلی می بود، بایستی ابهام در ماده ۷ قانون کار و تبصره‌های آن را که شرایط کار دائمی و موقتی بودن قراردادهای کار را معین کرده است مد نظر قرار می گرفت و نه ماده ۱۰ قانون

هدف از باقی گذاشتن گذاشتن ابهام در ماده هفتم قانون کار توسط قانون گذار یک اقدام عمدی بوده است برای اینکه دست دولت و کارفرمایان را برای تفسیر در جهت منافع خود باز بگذارد. ابهامات و قوانین دو پهلو در سایر مواد قانون کار البته کم نیستند اما تفسیر آنها تابع توازن قوا در جامعه است. بعنوان مثال در سالهایی که هنوز توازن قوا در حد امروز به نفع کارفرمایان دولتی و خصوصی تغییر نکرده بود، بخش هایی از همین قانون که کم و بیش حمایتی بودند با وجود ابهاماتی که در آنها وجود داشت از جمله ماده ۷ قانون کار حداقل در صنایع بزرگ متوسط حتی در دوران جنگ نیز اجرا می شد. به این معنی که اکثر کارگر بعد از ۶ ماه کار آزمایشی رسمی می شدند و از مزایای قانون کار بهره‌مند بودند. ساعات کار ۴۴ ساعت در هفته رعایت می شد، حق شیفت کاری، اضافه کاری، مرخصی های، طبقه بندی مشاغل، بیمه و غیره بر خلاف دو سه دهه اخیر به کارگر تعلق می گرفت. اکثر کارگران شاغل بر خلاف امروز که تعداد کارگران رسمی به کمتر از ۶ درصد رسیده رسمی بودند دستمزد و قدرت خرید بهتر از سالهای اخیر و هزینه مسکن و دارو و درمان نیز بسیار کمتر بود. اما با بهم خوردن توازن در حالیکه هنوز تغییری در قانون کار بوجود نیامده بود همه ی موارد ذکر شده در بالا به زیان کارگران دگرگون شد.



با این وصف اما دولت و کارفرمایان به این هم راضی نیستند و هر روز که می گذرد سعی می کنند از راه های مختلف اثری از قوانین حمایتی باقی نگذارند.

تغییرات در قانون یا بقولی همان مقررات زدایی در حالی دنبال می شود و در دولت رئیسی شدت بیشتری گرفته که اساسا قانون کار و آن محدود موارد حمایتی باقی مانده در آن سالهاست که اجرا نمی شود. حال این سوال پیش می آید وقتی قانون بکلی اجرا نمی شود علت این همه تلاش و اصرار برای ریشه کن کردن قانونی که اجرا نمی شود برای چیست؟ جواب تا حدودی روشن است، حکومت و کارفرمایان می دانند اگر بهر علتی توازن قوای فعلی به ضرر آنها تغییر کند با وجود قوانین حمایتی نمی توانند مثل امروز از پیمان ساختن حقوق کارگر دفاع و آنرا ادامه دهند. احیا قوانین وقتگیر خواهد بود. بهمین جهت همانقدر که برای سرمایه داران و حکومت شان بر چیدن قوانین حمایتی در هنگامی که توازن نیرو به نفع آنان می باشد اهمیت دارد، مبارزه کارگران علیه هر تغییر منفی در قانون کار نیز دارای اهمیت است.

برای روشن شدن اهمیت قضیه علاقه مندان و کسانی که دغدغه عدالت و برابری دارند را به سالهای طولانی کشاکش بر سر قانون کار حتی در دوره بعد از انقلاب و روند باز پس گیری آن ارجاع می دهم.

آری در مقابل تعرض ارتجاعی به ته مانده همین قانون پر ابهام و تناقض بی یال و کوپال و به زعم نادقیق عده ای "ارتجاعی" هم نباید خاموش ماند. نزاع بر سر قانون کار و تامین اجتماعی و کم و کیف آن در همه ی کشورها، اساسا نزاعی طبقاتی است و هیچ کارگر و حقوق بگیری نباید نسبت به آن منفعل و بی تفاوت بماند

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!**



آغاچاری

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت نفت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری

نابود باد بندگی، زنده باد زندگی

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری بیکاران، کارگران شاغل و بازنشسته

یکشنبه ۷ آبان ۱۴۰۲





تجمع بازنشستگان فولاد در چند شهر بازنشستگان فولاد نسبت به عدم اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد، اعتراض کردند. تجمع بازنشستگان فولاد در چند شهر به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز ۷ آبان ماه بازنشستگان صنایع فولادی در چند شهر از جمله تهران، اصفهان و رودبار، مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. اعتراض به مستمری زیر خط فقر، عدم اجرای آیین‌نامه و قوانین خاص فولادی، انتقاد نسبت به عدم اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد، بخشی از مطالبات این اعتراض صنفی است. بازنشستگان خواستار افزایش حقوق ماهانه براساس خط فقر و اصول قانونی هستند و می‌گویند باید همسان‌سازی با بودجه مناسب و به صورت کامل پرداخت شود.



چند خبر اعتراض و اعتصاب در نفت روز سه‌شنبه دوم آبان ماه همکاران پروژه ای شرکت ثمین زیر مجموعه پتروپارس در منطقه نفتی جفیر، در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و نبود امکانات رفاهی دست به اعتصاب زده و محل کارگاه را ترک نموده‌اند. به گفته همکاران تا زمان پرداخت دستمزدها اعتصاب ادامه خواهد داشت. همچنین پرسنل اقماری ارکان ثالث سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس نیز امروز چهارشنبه سوم آبان ماه در اعتراض به حذف سهمیه پروازی پرسنل اقماری ارکان ثالث دست به اعتراض زدند.



به گفته این گروه از همکاران، تنها سهمیه های پرواز برای کارکنان ارکان ثالث قطع شده و همچنان کارکنان رسمی و قراردادی از این سهمیه برخوردار هستند. پرسنل ارکان ثالث خواستار برچیده شدن هر چه سریعتر این تبعیض آشکار شده اند

**آغاچاری**، نیز همچون روزهای گذشته، نیروهای عملیاتی امروز #و در شرکت بهره برداری نفت و گاز - چهارشنبه سوم آبان در اعتراض به بی عدالتی ها و با مطالبه حذف کامل سقف حقوق -

حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی -

عودت کسورات مازاد مالیات -

مقابل ساختمان مدیریت این شرکت تجمع کردند

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت  
تحمیلی حمایت می کنیم!**

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**



جعفر ابراهیمی از رهبران شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان در مرخصی درمانی

خبر فوری

جعفر ابراهیمی به مرخصی درمانی آمد

جعفر ابراهیمی معلم زندانی که از اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان است، امروز سه شنبه ( لحظاتی پیش) به مرخصی آمد.

این معلم زندانی که به صورت تبعید در زندان قزلحصار دوران محکومیت خود را می گذراند، به خاطر بیماری و نیاز به درمان خارج از زندان، با توجه به نامه پزشکی قانونی به مرخصی درمانی آمده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



شعار: معلم زندانی آزاد باید گردد، در تظاهرات مشترک ۹ آبان بازنشستگان فرهنگی، کشوری و تامین اجتماعی

**از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کنیم!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی، زنده باد آزادی و برابری**



فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل‌ونقل (ITF) خواستار آتش‌بس فوری، اجرایی و تضمین‌شده توسط سازمان ملل، آتش‌بس در نوار غزه و اسرائیل و تلاش‌های واقعی برای صلح پایدار، از جمله آزادی فوری همه گروگان‌ها و ایجاد کریدورهای بشردوستانه در این منطقه برای جلوگیری از فاجعه انسانی بیشتر و تلفات غیرنظامیان است.



**ITF CALLS FOR AN  
IMMEDIATE CEASEFIRE  
AND HUMANITARIAN  
CORRIDOR FOR  
LIFESAVING AID IN GAZA**

کشتار جنایتکارانه کودکان و غیر نظامیان بی‌گناه در غزه را پایان دهید!

محاصره غزه جنایت جنگی است و سازمان ملل وظیفه دارد آن را متوقف کند!

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>